



حمله به سردار

انتقاد تندروها به سرلشکر باقری



فرهنگ

ژاله آموزگار



مهربانی، آغاز تمدن است



تماشا

سقوط آزاد

درباره افول نقش آفرینی رضا عطاران



چالش‌های وزیر جوان

سیدعلی مدنی‌زاده به‌عنوان وزیر اقتصاد به مجلس معرفی شد
او چه ماموریت‌هایی بر عهده دارد
و چگونه از پس آنها برمی‌آید؟



توسعه



یادداشت روز

هشدار برای عدالت آموزشی

درباره افزایش نجومی شهریه مدارس غیردولتی

پروانه مافی

عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در شرایطی که بر اساس آمار رسمی آموزش و پرورش، نزدیک به ۴۰ درصد شهریه مدارس غیردولتی بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان و تنها اندکی بالاتر از ۴۰ میلیون است، در عمل والدین شاهد جهش‌های بی‌سابقه شهریه هستند. گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی مدارس خصوصی (با احتساب هزینه‌های خدماتی) شهریه‌هایی بین ۲۳۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان برای سال ۱۴۰۴ اعلام کرده‌اند. به عبارتی، آموزش باکیفیت به کالایی لوکس تبدیل شده است. چنین روندی بر اساس اصل سی‌ام قانون اساسی - که دولت را موظف به فراهم کردن آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه کرده - نیست. واقعیت تلخ این است که کنکور اکنون فقط میان مدارس غیردولتی و سمپاد (تیزهوشان) رقابتی شده است و فقط حدود ۷ درصد برترین‌ها از مدارس دولتی آمده‌اند. همان‌طور که دیگران انتقاد کرده‌اند، نتایج کنکور امسال نشان می‌دهد که ورود به دانشگاه به آرزوی «گروه خاصی» بدل شده و سهم مردم عادی در آن بسیار اندک است.

به‌عنوان نماینده پیشین مجلس، نگرانم که این وضعیت در عمل، عدالت آموزشی را از بین برده باشد. آزمون سراسری ۱۴۰۳ نشان داد، از ۴۰ رتبه برتر، تنها سه نفر از مدارس دولتی و ۷۳ درصد نفرات برتر از مدارس سمپاد هستند. این اختلاف طبقاتی آموزشی با شهریه‌های نجومی مدارس خصوصی، ارتباط تنگاتنگ دارد. فرزندان طبقات مرفه با پرداخت هزینه‌های گزاف، امکانات بهتری دریافت می‌کنند که این مزیت در کنکور و آینده تحصیلی خود را نشان می‌دهد. برخی سیاست‌مداران به‌صراحت هشدار داده‌اند که چنین روندی «مافیای» در آموزش و پرورش ایجاد کرده و مسیر مدارس دولتی را برای استعدادهای عادی بسته است.

پیامدهای روانی و اقتصادی این افزایش‌های افسارگسیخته متوجه خانواده‌های طبقه متوسط و ضعیف است؛ خانواده‌ای که برای دو فرزندش، سال گذشته ۹۰ میلیون تومان شهریه داده، امسال همین مدرسه ۱۶۰ میلیون تومان مطالبه کرده است؛ برخی اولیای دیگر می‌گویند شهریه پایه اول ابتدایی مدرسه‌ای بدون احتساب سرویس و ناهار ۲۱۰ میلیون تومان تعیین شده و مدرسه‌ای دیگر ۲۳۰ تا ۲۵۰ میلیون تومان اعلام کرده است. در پی این فشار مالی، برخی خانواده‌ها به مدارس دولتی رجوع کرده‌اند و در کنار آن برای جبران کیفیت آموزشی پایین‌تر، مجبور به استفاده از کلاس‌های تقویتی و معلم خصوصی شده‌اند. این مهاجرت اجباری، مدارس دولتی و هیأت‌امانی را نیز به تراکم غیرقابل تحملی سوق داده است؛ کلاس‌های ۴۰ نفره، کیفیت آموزش را به‌شدت کاهش می‌دهند. اگر خانواده‌ای سه فرزند داشته باشد، تأمین هزینه‌های آموزشی آنها «غیرممکن است»؛ درنهایت، کودکان بسیاری مجبور می‌شوند از مدرسه بازنمانند و خانواده‌ها در «بحران روانی» گرفتار شوند.

برای جلوگیری از تعمیق نابرابری آموزشی به بازتعریف ساختار نظارتی نیاز داریم؛ نخست، نظام نظارت بر مدارس غیردولتی باید توانمند و بی‌طرف شود؛ جایگاه قانونی شورای مرکزی تعیین شهریه باید از انحصار منطقه‌ای خارج و با همکاری مجلس و سازمان بازرسی تجدید تعریف شود. دوم، سقف مشخص شهریه به‌صورت منطقه‌ای تعیین شود تا اختلاف شدید هزینه‌ها میان شهر، روستا و استان‌ها کاهش یابد. سوم، الزام شفافیت ۱۰۰ درصدی مالی برای موسسان مدارس غیردولتی در نظر گرفته شود؛ همه درآمدها و هزینه‌ها (اعم از شهریه برنامه‌های فوق‌برنامه، سرویس، غذا، پوشش و...) باید به‌وضوح برای مردم گزارش شوند. چهارم، حمایت هدفمند و گسترده از مدارس دولتی ضروری است؛ سرمایه‌گذاری در تجهیز این مدارس، افزایش انگیزه معلمان و ارتقای کیفیت آموزشی می‌تواند ظرفیت را برای دانش‌آموزان محروم تقویت کند. درنهایت باید از تبدیل تحصیل باکیفیت به کالایی انحصاری جلوگیری شود؛ برای نمونه با محدود کردن نقش آزمون کنکور در پذیرش مدارس سمپاد و خاص، سهم منطقه‌ای‌تری به مدارس عادی داده شود.

هشدار می‌دهم که ادامه وضع موجود، عدالت آموزشی را به‌طور بنیادی به‌خطر می‌اندازد. آموزش و پرورش، آرزوی رسیدن همه فرزندان این سرزمین به رشد علمی و اجتماعی است؛ با نظارت کارآمد و راهکارهای فوق می‌توانیم، تضمین کنیم که تحصیل باکیفیت حق همه باشد، نه امتیاز یک قشر خاص. مطالبه‌گری اجتماعی و ورود جدی مسئولان به اصلاح ساختارها ضروری است تا شکاف طبقاتی در آموزش بیش از این عمیق نشود.



پیشنهاد به تهران

بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان

در سفری غیررسمی و نیم‌روزه به ایران

نامه پیشنهادی آمریکا درباره آینده غنی‌سازی را

به مقامات کشورمان تحویل داد

گروه بین‌الملل: در میانه گمانه‌زنی‌های رسانه‌های آمریکایی و اروپا در قبال آینده مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا همچنین اعلام مواضع مقامات ارشد ایالات‌متحده ازجمله دونالد ترامپ در قبال این مذاکرات، بدرالبوسعیدی، وزیر خارجه عمان به تهران آمد و پیشنهاد ایالات‌متحده را تقدیم سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه کشورمان کرد. عراقچی در حساب کاربری خود در «ایکس» در مورد سفر همتای عمانی خود نوشت: «برادر عزیزم آقای بدرالبوسعیدی، وزیر محترم امور خارجه عمان، در سفر کوتاهی به تهران، عناصر پیشنهادی آمریکا را ارائه داد که بر اساس اصول، منافع ملی و حقوق مردم ایران به آن پاسخ مقتضی داده خواهد شد».

این سفر که (شنبه) در چارچوب میانجی‌گری عمان بین تهران و واشنگتن انجام شد به‌نوعی در بطن خود، جزئیات پیشنهادی آمریکا را دارد که از طریق استیو ویتکاف، فرستاده رئیس‌جمهور آمریکا به خاورمیانه به مسقط اعلام شده است که از حیث زمانی می‌تواند مهم قلمداد شود؛ چراکه این پیشنهاد قبل از برگزاری ششمین دور از مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا از کانال عمان به تهران منتقل شده است و شاید این‌گونه تفسیر شود که آمریکایی‌ها منتظر تصمیم ایران در قبال پیشنهاد خود هستند سپس با دریافت پاسخ تهران در ششمین دور از مذاکرات غیرمستقیم با تهران حضور پیدا کنند.

ادامه در صفحه ۳





گزارش روز

حمله به سردار

انتقاد تندروها به سرلشکر باقری
به دلیل سخنان اخیر او

در یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین سخنرانی‌های سال جاری، سرلشکر محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در مراسم چهل‌وسومین سالگرد تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، سخنانی ایراد کرد که به‌سرعت بازتابی گسترده یافت اما نه لزوماً از جنس تمجید؛ این بار، این مقام عالی‌رتبه نظامی کشور، نه هدفی بیرونی بلکه هدف حملات تند و بی‌امان بخشی از جریان رسانه‌ای اصول‌گرا قرار گرفت. پرچمدار این انتقادات، سایت خبری «رجانیوز» بود که با لحنی تند، باقری را به عدول از مواضع سابق و عقلانیت انقلابی متهم کرد اما واقعا چه گفت که این چنین برآشفتنه شدند؟ سرلشکر باقری در سخنرانی خود به رویکردی جدید و متناسب با پیچیدگی‌های جامعه امروز اشاره کرد. او با تأکید بر لزوم عبور از نگاه فقط امنیتی و سخت‌افزاری در مدیریت اجتماعی، گفت: «نیاز ما فقط به علوم فنی و فناوری‌های صنعتی محدود نیست. جامعه بسیار پیچیده و در حال تحول ما نیاز به کار علمی دارد. اگر فرمان‌دهی انتظامی بخواهد با رویکرد سخت و باتوم و دشنه برخورد کند، راه به‌جایی نمی‌برد. ما نیاز به تدبیر داریم». او در ادامه با تکیه بر اهمیت فهم نسل جدید، خواستار تجهیز افسران پلیس به دانش جامعه‌شناسی و علوم انسانی شد. جمله‌ای از او به‌طور خاص در رسانه‌ها بازتاب یافت: «افسر پلیس ما باید نسل جدید را به‌خوبی بشناسد و رگ خواب او را بداند»؛ جمله‌ای که بیش از آنکه یک اظهارنظر ساده باشد، نوعی بازتعریف از نقش نیروهای انتظامی در عصر حاضر بود. این سخنان اگرچه در نگاهی کارشناسانه می‌توانست، نشانه‌ای از بلوغ راهبردی در ساختار امنیتی کشور قلمداد شود اما به مذاق طیف‌هایی از اصول‌گرایان خوش نیامد. سایت «رجانیوز»، رسانه‌ای که پیوندی نزدیک با جبهه پایداری دارد و مدیریت بر عهده «میش نیلی» است، با انتشار یادداشتی به‌تندی به باقری تاخت. در این یادداشت به سوابقه او در پیام نوروزی از تخت‌جمشید، نبود لباس نظامی در برخی مواضع و دور شدن از «وعده صادق ۳» اشاره کرد و چنین نوشت: «فرمانده دغدغه‌مند (گفت‌وگو با نسل جدید» تاکنون در چند نشست دانشگاهی حضور یافته و به سوالات نسل جدید پاسخ داده یا درباره حل مشکل سربازی «نسل جدید در حال تحول» که مستقیماً به زیرمجموعه ایشان مربوط است، چه اقدامی انجام داده است؟ این پرسش‌ها و امثال آن، گره‌های مهمی از این ابهام را بازخواهند کرد که چرا تصویر ماندگار باقری و حاجی‌زاده در «وعده صادق ۱» این روزها به چنین چهره‌ای با چنین موضوعی تغییر یافته است»، رجانیوز همچنین نوشت: «کمتر از ۶ ماه زمان کافی بود تا تصویر سردار باقری بر دیوارنگاره «جنگ‌بلد» جای خود را به فرمانده‌ای بدهد که پیام نوروزی‌اش را از تخت جمشید و بدون لباس نظامی می‌دهد».

در ادامه نیز او پرسیده است که چند بار در دانشگاه‌ها حاضر شده یا چه اقدامی برای حل مشکل سربازی نسل جوان کرده است؛ لحن پرسش‌ها، نه از سر کنجکاوی بلکه از سر تردید و نارضایتی بوده است. نویسنده گزارش، بی‌پرده از تغییری که در چهره و مواضع باقری رخ داده، ابراز نگرانی کرده است. در پاسخ به این هجمه، تحلیل‌گران مستقل و حتی بخشی از افکار عمومی از تعبیر «خفقان وفاق» استفاده کرده‌اند؛ اشاره به آنکه، هرگونه سخن از تعامل، گفت‌وگو و مدیریت عقلانی جامعه به‌سرعت با انگ سازش و عقب‌نشینی سرکوب می‌شود. در واقع، این واکنش‌ها به‌روشنی نشان داد که درون حاکمیت، جدالی در حال شکل‌گیری است میان دو قرائت از قدرت: یکی مبتنی بر عقلانیت نرم، علم و گفت‌وگو و دیگری بر پایه سخت‌افزار و قدرت قهری. نکته قابل‌توجه در سخنان سرلشکر باقری، ارجاع پیوسته او به علوم انسانی به‌مثابه نیروی راهبردی در مدیریت تحولات اجتماعی بود. او به‌صراحت از لزوم بازنگری در ساختارهای آموزشی و تربیتی نیروهای نظامی سخن گفت و دانشگاه را نه‌فقط یک نهاد آموزشی بلکه شریکی استراتژیک برای نیروهای مسلح دانست. این سخنان از زاویه‌ای دیگر پاسخی بود به ضرورت‌های زمانه. کشوری با جمعیتی جوان، تحولات سریع اجتماعی و فناوری و مطالباتی روزافزون، دیگر نمی‌تواند با فرمول‌های دهه‌های پیشین اداره شود.



وزیر جدید

سیدعلی مدنی‌زاده به عنوان وزیر اقتصاد به مجلس معرفی شد

هدا احمدی

گروه سیاسی



سه ماه سکوت، دقیقه ۹۰ و حالا یک اقتصاددان از شریف با دکترای شیکاگو در آستانه ورود به سخت‌ترین میدان سیاست اقتصادی کشور. دولت سیزدهم در واپسین ساعات مهلت قانونی، سیدعلی مدنی‌زاده را برای وزارت اقتصاد به مجلس معرفی کرد؛ در حالی که سابه استیضاح‌های سیاسی، بن‌بست‌های ساختاری و بحران‌های معیشتی بر سر این وزارتخانه سنگینی می‌کند. آیا او شانس عبور از پیچ مجلس و آغاز دوره‌ای تازه در اقتصاد ایران را دارد، یا قربانی بعدی تسویه‌حساب‌های جناحی خواهد شد؟ این درحالی است که سه ماه پس از آنکه مهم‌ترین وزارتخانه اقتصادی کشور بدون وزیر اداره می‌شود، دولت بالاخره در واپسین دقایق مهلت قانونی، گزینه پیشنهادی خود را برای وزارت امور اقتصادی و دارایی به مجلس معرفی کرد. اما فضای سیاسی پیرامون وزارت اقتصاد همچنان ملتهب و پرابهام است و احتمال می‌رود، تجربه تلخ استیضاح سیاسی مجدد تکرار شود. به گفته عباس گودرزی، عضو هیأت رئیسه مجلس، نامه رسمی معرفی مدنی‌زاده هفته آینده (یکشنبه) در صحن علنی اعلام‌وصول خواهد شد. فرآیند بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی به‌سرعت آغاز خواهد شد. کمیسیون تخصصی مجلس طبق آیین‌نامه، یک هفته فرصت دارد تا برنامه‌های ارائه شده توسط مدنی‌زاده را بررسی و گزارش خود را آماده کند. اگر کمیسیون زودتر به نتیجه برسد، احتمال دارد، جلسه رأی اعتماد نیز زودتر از موعد برگزار شود. گودرزی اعلا کرد که آنچه این معرفی را از نظر حقوقی و سیاسی ویژه می‌کند، پایان یافتن مهلت قانونی دولت برای معرفی وزیر اقتصاد است. مطابق اصل ۱۳۵ قانون اساسی، مدت سرپرستی یک وزارتخانه نمی‌تواند بیش از سه ماه باشد و از ۱۲ خرداد، امضای سرپرست فعلی وزارت اقتصاد بدون حکم‌ربری فاقد وجاهت قانونی خواهد بود. بدین ترتیب دولت عملاً در آخرین لحظات برای خروج از وضعیت بن‌بست حقوقی، اقدام به معرفی وزیر پیشنهادی کرد. سایه سنگین برخورد‌های سیاسی با وزرای اقتصادی همچنان بر سر دولت سنگینی می‌کند. سه ماه پیش، عبدالناصر همتی در فضایی سیاسی و پرتش از وزارت اقتصاد برکنار شد. فرآیندی که از سوی ناظران بیشتر به یک «تسویه‌حساب جناحی» توسط جریان پایداری در مجلس تعبیر شد تا یک استیضاح فنی. اکنون با معرفی مدنی‌زاده، این نگرانی وجود دارد که آیا او نیز قربانی همان فضای سیاسی خواهد شد یا نه؟ آیا مجلس این بار به بررسی برنامه‌ها و تخصص وزیر پیشنهادی بسنده خواهد کرد، یا بار دیگر اختلافات سیاسی و جناحی، سرنوشت وزیر اقتصاد را تعیین خواهد کرد؟ این سؤالات در شرایطی مطرح می‌شود که اقتصاد ایران با چالش‌های جدی مواجه است: رشد پایین، تورم مزمن، ناترازی بودجه، مشکلات بانک‌ها و بحران در سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی. در چنین شرایطی، وزارت اقتصاد نیازمند مدیری است که هم از توان علمی و هم از مهارت اجرایی کافی برخوردار باشد و هم بتواند اعتماد دو قوه مهم کشور را به دست آورد.

مدنی‌زاده کیست و چه در چنته دارد؟

سیدعلی مدنی‌زاده، متولد ۱۳۶۱ یکی از چهره‌های علمی برجسته در حوزه اقتصاد کشور است. او دارای دکترای اقتصاد از دانشگاه شیکاگو است؛ دانشگاهی که بسیاری از اقتصاددانان سرشناس دنیا از آن فارغ‌التحصیل شده‌اند. او در سال ۲۰۰۰ موفق به کسب مدال برنز

دیدگاه: یادداشت سیاسی

پایان اقتدار دولت

خراسان جنوبی در مسیر ملوک‌الطوایفی شدن است

امیرمحمد نجاری

دبیرکل استان خراسان جنوبی
حزب کارگزاران سازندگی ایران



در حالی‌که انتظار می‌رفت با روی کار آمدن دولت جدید شاهد ارتقای سطح حکمرانی، تمرکز بر شایسته‌گزینی و تقویت اقتدار دولت در استان‌ها باشیم، متأسفانه روندی کاملاً معکوس در استان خراسان جنوبی در حال وقوع است؛ روندی که در آن برخی نمایندگان مجلس عملاً جای دولت را در فرآیند انتصابات گرفته‌اند و استانداری نیز نقش تأییدکننده، سفارش‌های غیرکارشناسی را ایفا می‌کند. امروز در خراسان جنوبی، آنچه به‌وضوح دیده می‌شود، حضور سنگین و بی‌قاعده نمایندگان در انتصابات کلیدی استانی است؛ به گونه‌ای که عملاً «اقتدار دولت» در این استان به پایین‌ترین سطح خود در سال‌های اخیر رسیده و حالت ملوک‌الطوایفی بر آن حاکم شده است. در این وضعیت مدیران بر اساس روابط خانوادگی و



چالش‌های پیش‌روی وزیر آینده اقتصاد

وزارت اقتصاد، نه تنها بزرگ‌ترین وزارتخانه اقتصادی کشور از نظر حجم مسئولیت‌هاست بلکه در شرایط کنونی نقشی کلیدی در بازگشت ثبات به اقتصاد ایران دارد. وزیر آینده با چالش‌هایی جدی روبه‌روست: کنترل تورم و سیاست پولی هماهنگ با بانک مرکزی، حل بحران کسری بودجه و اصلاح ساختار مالی دولت، تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و جذب سرمایه خارجی، اصلاح نظام مالیاتی و گمرکی کشور، مدیریت دارایی‌های دولت و سیاست‌های واگذاری شرکت‌ها و نظام‌مند کردن بازار سرمایه و ایجاد ثبات در بورس، موفقیت در این حوزه‌ها مستلزم همکاری تنگاتنگ با بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت صمت و سایر نهادهای مرتبط است. از این رو، وزیر اقتصاد باید توانایی ایجاد اجماع و هماهنگی بین بخشی را نیز داشته باشد نه صرفاً دانش فنی. به هر حال یکی از نگرانی‌های جدی ناظران اقتصادی و سیاسی این است که نهادهای تصمیم‌گیر، نگاه یکسکان و حرفه‌ای به وزاری اقتصادی ندارند. اگرچه مجلس حق دارد، وزیران را مورد پرسش و استیضاح قرار دهد اما تجربه‌ها نشان داده که برخوردهای سیاسی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی در تیم اقتصادی دولت شود و این بی‌ثباتی مستقیماً به بازارهای مالی، ارز، طلا و حتی معیشت مردم اثر منفی می‌گذارد. حال باید دید در روزهای آینده، مجلس دوازدهم با چه نگاهی به بررسی صلاحیت مدنی‌زاده خواهد پرداخت. آیا فضای جلسات رای اعتماد بیشتر کارشناسی و برنامه‌محور خواهد بود یا تحت تأثیر فشارهای سیاسی و جناحی قرار خواهد گرفت. بنابراین با معرفی سیدعلی مدنی‌زاده به عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد، دولت سیزدهم از یک بحران حقوقی عبور کرده است. اما آنچه اهمیت دارد، عبور از بحران سیاسی و اقتصادی است. آیا مدنی‌زاده توان و جسارت لازم برای انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد کشور را دارد؟ آیا می‌تواند با مجلس تعامل سازنده‌ای برقرار کند؟ آیا بدنه دولت و سایر نهادهای او حمایت خواهند کرد؟ پاسخ به این سؤالات در روزهای آینده مشخص خواهد شد. اما آنچه مسلم است، اقتصاد کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند عقلانیت، ثبات، تخصص و همدلی میان قواست. اگر تجربه استیضاح‌های جناحی تکرار شود، بازنده اصلی نه دولت و نه مجلس بلکه مردم و اقتصاد ایران خواهند بود. اکنون نوبت تصمیم‌گیری مجلس است. گامی به سوی عقلانیت اقتصادی یا بازگشت به چرخه تکراری بی‌ثباتی و تسویه حساب‌های سیاسی.

توانمند، آگاه به منطقه و با اشراف اطلاعاتی بالاست. اما در بهمن ماه سال گذشته به سفارش مستقیم نماینده نهبندان، فردی از غرب کشور با سابقه فرمانداری تنها یک شهر ۲۰ هزار نفری به این سمت منصوب شد؛ شخصی که هیچ‌گونه آشنایی با مرز، بافت فرهنگی، ظرفیت‌های بومی و چالش‌های خاص نهبندان ندارد و حتی پس از گذشت ۱۰۰ روز هنوز اسامی مدیران و دهیاران را به‌درستی نمی‌شناسد. چگونه می‌توان به مدیری امید بست که هنوز در مرحله «شناخت محیط» است؟ آیا توسعه و امنیت یک شهرستان مرزی باید فدای منافع سیاسی کوتاه‌مدت شود؟ اگر این روند ادامه یابد، دولت نته‌تها در نگاه عمومی تضعیف خواهد شد بلکه زمینه‌ساز فساد، ناکارآمدی و نارضایتی اجتماعی گسترده‌تر نیز خواهد شد. از دولت محترم به‌ویژه استاندار محترم انتظار می‌رود با بازنگری در روند انتصابات، خط قرمزی میان شایسته‌گزینی و سفارش‌پذیری ترسیم نماید و اجازه ندهد، خراسان جنوبی به حیاط خلوت نمایندگان تبدیل شود.



خطر بریتانیایی

چرا نخست‌وزیر انگلیس خواستار بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری در تولید تسلیحات شده است؟



سرمایه‌گذاری ۱۰۵ میلیارد پوندی، نزدیک به ۲۰۰۰ شغل را در سراسر این کشور ایجاد کرده یا پشتیبانی خواهد کرد. همچنین حدود ۷۰۰۰ سلاح دوربرد خریداری خواهد شد. استارمر در مطلب خود نوشت: «این بزرگ‌ترین برنامه تسلیحاتی بریتانیا در دهه‌های اخیر است و این کشور را به سطحی از تولید دائمی تسلیحات خواهد رساند. در سال‌های اخیر ذخایر سلاح و موشک ما تقریباً به پایان رسیده است چراکه مقدار زیادی از آن را به اوکراین اهدا کرده‌ایم».

جهان خطرناک‌تر شده است

نخست‌وزیر بریتانیا مدعی شد که جهان اکنون، خطرناک‌تر از هر زمان در نسل‌های اخیر است، «زیرا با تهدید روسیه، ایران و کره‌شمالی روبه‌رو هستیم». او گفت این وضعیت نیازمند «تغییری بنیادین» در قدرت نظامی بریتانیاست و افزود: «زمان آن رسیده است که تمام جامعه برای ایمن نگه داشتن بریتانیا بسیج شود، یعنی جامعه تجارت، جامعه شهروندی، متخصصان فناوری و دیگران باید با یکدیگر همکاری کنند؛ این یعنی استفاده از این فرصت برای

کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا کشورش را در وضعیت آماده‌باش جنگی قرار داد و هشدار داد که باید برای جنگیدن و پیروزی بر دشمنان آماده شویم. نخست‌وزیر بریتانیا دستور داده است، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری در تولید سلاح و بمب از زمان جنگ سرد انجام شود. استارمر در مطلبی در روزنامه «سان» نوشت که «بریتانیا با جهانی خطرناک‌تر روبه‌رو است؛ زمان آن رسیده است که نحوه دفاع از این جزایر را دگرگون کنیم». او افزود: «ما با تمام قدرت به استقبال این لحظه می‌رویم؛ با پاسخی که در طول عمر ما بی‌سابقه بوده است. ما آمادگی جنگی، بریتانیا را به‌عنوان هدف اصلی نیروهای مسلح‌مان بازمی‌گردانیم». نخست‌وزیر بریتانیا افزود: «ما به‌طور مستقیم از سوی کشورهای با نیروهای نظامی پیشرفته تهدید می‌شویم؛ بنابراین باید آماده جنگیدن و پیروزی باشیم. در نهایت بهترین راه جلوگیری از درگیری، آمادگی برای آن است».

استارمر با رونمایی از جزئیات اصلی بازیابی راهبردی دفاعی که مدت‌ها پیش احتمال انتشار آن می‌رفت، اعلام کرد که بریتانیا با ساخت ۶ کارخانه مهمات‌سازی جدید به سطح تولید جنگی تسلیحات خواهد رسید. به‌گفته او، این

ادامه تیتریک

پیشنهاد به تهران

جنبه‌های احتمالی پیشنهاد آمریکا

در این راستا کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید شامگاه «شنبه» در این خصوص اعلام کرد که ویتکاف پیشنهاد مفصل و قابل‌قبول خود را به ایران درباره توافق هسته‌ای ارسال کرده و به سود ایران است که این پیشنهاد را قبول کند. آنچه در این میان به‌عنوان یک اصل باید مدنظر قرار بگیرد و از اساس باید آن را محور اختلافی میان تهران و واشنگتن قلمداد کنیم، مساله غنی‌سازی صفر است. تیم سیاسی-امنیتی ترامپ و حتی شخص رئیس‌جمهور ایالات‌متحده، بارها و بارها بر این موضوع تأکید کرده‌اند؛ در مقابل، مقامات ایران و در راس آنها سیدعباس عراقچی نیز به‌عنوان سکان‌دار دستگاه دیپلماسی پاسخ این موضوع را به‌صورت علنی اعلام کرده‌اند اما باز هم مواضع ایالات‌متحده بر همین مساله تکیه دارد.

بر همین اساس، اگر پیشنهاد ایالات‌متحده مجدد تکرار همین موضوع باشد، راه مذاکرات بر اساس آنچه که تهران اعلام کرده و بر آن تأکید کرده است، مشخص خواهد بود اما در این میان برخی از رسانه‌های آمریکا مانند «نیویورک‌تایمز» و «آکسیوس» در گزارش‌های خود در این خصوص، مدعی شده‌اند که این سند (پیشنهاد) شامل مجموعه‌ای از نکات کلیدی و شرایط است و یک پیش‌نویس کامل توافق نیست. گفته شده است که مهم‌ترین خواسته آمریکا در این پیشنهاد، توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در ایران است؛ همچنین در متن پیشنهاد، ایجاد یک کنسرسیوم منطقه‌ای برای تولید مواد هسته‌ای مورد نیاز کشورها مطرح شده است که اعضای آن علاوه بر ایران شامل عربستان سعودی، سایر کشورهای عربی و آمریکا می‌شوند. «نیویورک‌تایمز» در این خصوص نوشته است که این پیشنهاد برای نخستین بار از آغاز مذاکرات در اوایل آوریل به‌شمار می‌رود که «استیو ویتکاف» ارائه کرده است. «آکسیوس» نیز در این خصوص گزارش داده که علاوه بر پیشنهاد کنسرسیوم، ایده دیگر، این است که آمریکا حق ایران غنی‌سازی را به‌رسمیت بشناسد، درحالی که ایران به‌صورت کامل غنی‌سازی اورانیوم را تعلیق کند.

عراقچی: مبنای حرکت ما در مذاکرات، نفی سلطه است

تمامی این گمانه‌زنی‌ها در حالی مطرح می‌شوند که عراقچی (شنبه) در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی اعلام کرد که «امام خمینی (ره) به‌عنوان معمار انقلاب اسلامی، معمار سیاست خارجی جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی نیز است. زیربنای سیاست خارجی از نگاه امام خمینی (ره) مبتنی بر نفی سلطه خارجی است». او با بیان

بهرتر کردن کشورمان». وزیرای انگلیسی وعده داده‌اند که هزینه‌های نظامی-دفاعی کشورشان را تا سال ۲۰۲۷ به ۲۰۵ درصد از درآمد ناخالص ملی افزایش دهند. «جان هیلی» وزیر دفاع بریتانیا هم گفت هیچ شکی ندارد که هزینه‌های نظامی بریتانیا تا سال ۲۰۳۴ به ۳ درصد خواهد رسید؛ در مجموع، هزینه برای سلاح‌ها تا سال ۲۰۲۹ به ۶ میلیارد پوند خواهد رسید. هیلی گفت: «ما در حال تقویت زیرساخت صنعتی بریتانیا هستیم تا دشمنان‌مان را بهتر بازداریم و بریتانیا را در داخل امن و در خارج قدرتمند کنیم».

نخست‌وزیر بریتانیا در «سان» همچنین نوشت: «تهدیداتی که با آنها مواجه هستیم، پنهان نیستند؛ جنگ در اروپا و خطرات هسته‌ای جدید. کرملین دست در دست



همکاری‌های مستمر ایران با آژانس، انجام تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت آژانس و در چارچوب موافقت‌نامه پادمان همچنین عدم انحراف فعالیت‌ها و مواد هسته‌ای از مدیرکل آژانس خواست و اقعیت‌ها را منعکس کند؛ به‌گونه‌ای که امکانی برای سوءاستفاده برخی طرف‌ها از این نهاد بین‌المللی جهت پیشبرد اغراض سیاسی خود علیه ملت ایران فراهم نشود. وزیر امور خارجه ایران همچنین از مدیرکل آژانس خواست با تبیین همکاری‌های ایران با آژانس در جریان نشست هفته‌آتی شورای حکام، تبعات هرگونه اقدام سیاسی را گوشزد کند چراکه ایران به هر تحرک نامناسبی از سوی طرف‌های اروپایی، واکنش مقتضی نشان خواهد داد و مسئولیت تبعات و آثار آن بر عهده طرف‌هایی است که آژانس و ترتیبات آن را ابزار پیشبرد برنامه‌های سیاسی خود علیه ایران قرار دهند.

همچنین باید توجه داشت که اروپایی‌ها باز هم به‌دنبال هدف قرار دادن ایران از مجراهای گوناگون هستند. به‌عنوان مثال ذویل ساکالین، وزیر دفاع لیتوانی در سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی آسیایی «گفت‌وگوهای شانگری‌لا» در سنگاپور با اتهام‌زنی به تهران گفت که ادغام روسیه، چین، ایران و کره‌شمالی در قالب محور خودکامه‌ای که به‌طور فزاینده‌ای در حال هماهنگ شدن است، مستلزم پاسخی متحد است چراکه ایران تأمین‌کننده اصلی پهپادهای جنگی به روسیه در جنگ این کشور با اوکراین بوده است. همچنین روبن برکمانس، وزیر دفاع فنلاند نیز با حضور در یک جلسه پرسش‌وپاسخ در جریان این کنفرانس با اعلام اینکه کشورهای مختلفی در جهان به حمایت از روسیه در جنگ اوکراین در حوزه نظامی، اقتصادی، فناوری و سیاسی می‌پردازند، ادعای تحویل پهپادهای ایرانی به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین را تکرار کرد و گفت که «پهپادهای ایرانی شهرها و زیرساخت‌های اوکراینی را هدف قرار می‌دهند».

خاورمیانه

مذاکرات غیرمستقیم

سوریه و اسرائیل

گفت‌وگوهای غیرعلنی دمشق و تل‌آویو
چه محورهایی را در بر می‌گیرد؟

حمزه المصطفی، وزیر اطلاع‌رسانی سوریه در جریان کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که «دولت تأکید کرده که مذاکرات غیرمستقیم به‌دلیل حملات پیاپی اسرائیل در حال انجام است و این مذاکرات بر توافق ترک مناقشه سال ۱۹۷۴ و لزوم پای‌بندی به آن متمرکز است». المصطفی در جریان این کنفرانس خبری به آخرین تحولات مربوط به اقدامات دولت جدید سوریه پرداخت و دستاوردها و چالش‌های پیش روی کشور در مرحله کنونی را مورد بحث و بررسی قرار داد. او همچنین تأکید کرد: «دولت سوریه بر این موضوع تأکید می‌کند که مذاکرات غیرمستقیمی به‌دنبال تجاوزهای ادامه‌دار اسرائیل شکل گرفته است؛ این گفت‌وگوها حول توافق جداسازی نیروها و لزوم پای‌بندی به آن می‌چرخد». به‌عوازت این مذاکرات، منابع محلی در استان‌های جنوبی سوریه اعلام کرده‌اند که اسرائیل از دسامبر گذشته تاکنون بیش از ۱۵ پایگاه نظامی جدید در جنوب سوریه ایجاد کرده و مناطق اشغالی در سوریه را به‌سود خود، نظامی‌سازی کرده است. بر اساس گزارش این منابع، ارتش اسرائیل به‌تازگی، ساخت یک پایگاه نظامی جدید در شمال شهرک حضر در حومه استان قنيطرة و در نزدیکی پایگاه پیشین خود در منطقه قرص‌النفل را آغاز کرده است. این منابع همچنین تأیید کرده‌اند که نیروهای ارتش اسرائیل به‌طور مداوم به شهرها و روستاهای جنوب سوریه ازمجمله مناطق استان قنيطرة، یورش می‌برند و از خانه‌های مردم به بهانه جست‌وجوی سلاح، بازرسی می‌کنند؛ اقدامی که بیشتر با بازداشت غیرنظامیان همراه است. این در حالی است که توماس باراک، فرستاده ویژه آمریکا به سوریه، (پنج‌شنبه گذشته) اعلام کرد که «دونالد ترامپ به‌زودی سوریه را به‌عنوان کشور غیرحامی تروریسم معرفی می‌کند و از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج خواهد کرد».



ویترین: تازه‌های کتاب

جست‌وجوی نور در تاریکی

ترجمهٔ آن نامِ دیگر از یان فوسه برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۳



مهرداد دیلمی

روزنامه‌نگار

«آن نام دیگر» کتاب اول و دوم از مجموعهٔ «سپیتولوژی» (هفت‌گانه) یون فوسه، برندهٔ نوبل ادبیات ۲۰۲۳ است که نشر برج آن را با ترجمهٔ ایمان امیرتیمور منتشر کرده است. نسخهٔ اصلی این کتاب سال ۲۰۱۹ توسط انتشارات Samlaget در نروژ منتشر شد و نشر برج امتیاز انتشار ترجمهٔ فارسی این کتاب را از آژانس ادبی نویسندهٔ آن خریداری کرده است. «هفت‌کتاب» فوسه، قصهٔ سرگذشت و اندیشه‌هاست؛ اندیشه‌د در باب چیستی هنر، وجود خدا، دوستی و زمانی که در عین گسستگی پیوسته است؛ روایتی است از مرگ و درعین حال، جویای معنای زندگی؛ از جاده‌های برفی و خوشی راندگی در آن‌ها عبور می‌کند و خواننده را در دل‌پذیریِ طعم و رنگ‌ها سهیم می‌خواند.

یون فوسه (Jon Fosse) نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس و شاعر برجستهٔ نروژی ۲۹ سپتامبر ۱۹۵۹ در شهر هویسا در غرب نروژ به دنیا آمد. آثارش به بیش از ۵۰ زبان ترجمه شده و نمایش‌نامه‌هایش چراغ مشهورترین سالن‌های تئاتر جهان را روشن کرده است. دوران کودکی فوسه در محیطی روستایی و مذهبی گذشت که بعدها الهام‌بخش بسیاری از آثارش شد. او تحصیلاتش را در رشتهٔ فلسفه و ادبیات در دانشگاه برگن ادامه داد و این دوره نیز تأثیری عمیق بر نگاه فلسفی و هستی‌شناسانه‌اش در نوشتن داشت. او نویسنده‌ی را از دههٔ ۸۰ میلادی آغاز کرد و با نمایش‌نامه‌های مینی‌مالیستی‌اش در دههٔ ۹۰ به شهرت جهانی رسید. سبک نگارش او با سکوت، جملات کوتاه، تکرار و زبان ساده اما شاعرانه ساخته می‌شود. یون فوسه در آثارش به مفاهیمی مانند تنهایی، عشق، مرگ و معنای زندگی می‌پردازد و اغلب با ساموئل بکت مقایسه می‌شود. یون فوسه جوایز متعددی از جمله جایزهٔ ادبی «نوردیک» و جایزهٔ بین‌المللی «ایبسن» را دریافت کرده است. او سال ۲۰۲۳ جایزهٔ «نوبل ادبیات» را به‌دلیل «نگارش نوآورانه و شاعرانه‌اش که تنهایی و معنای هستی را برجسته می‌کند» دریافت کرد. نخستین رمان فوسه، کتاب «سرخ، سیاه» سال ۱۹۸۳ منتشر شد اما خودش داستان کوتاه «او» را آغازگر مسیر ادبی خود در نظر می‌گیرد؛ اثری که در سال ۱۹۸۱ در یک روزنامهٔ دانشجویی انتشار یافت. از همان ابتدا، ویژگی‌هایی ثابت و مشخص در تثر فوسه به چشم می‌خورد: تکرار، مونولوگ درونی و سبکی آهنگین و احساس‌برانگیز. او در طول دههٔ ۱۹۸۰ به نوشتن داستان، شعر و کتاب‌های کودک ادامه داد اما تحول بزرگ در مسیر ادبی این نویسنده، سال ۱۹۸۹ و با انتشار رمان «قایق‌خانه» رقم خورد و پس از آن فوسه به دنیای نمایش‌نامه‌نویسی قدم گذاشت و نخستین نمایش‌نامه‌اش خود را در سال ۱۹۹۲ نوشت و با سرعتی خیره‌کننده به خلق نمایش‌نامه‌های متعدد پرداخت. محمد حامد بسیاری از نمایش‌نامه‌های فوسه را به فارسی ترجمه کرده است. فوسه سال ۲۰۱۳ و در برهه‌ای که از نوشتن نمایش‌نامه فاصله گرفته بود، نوشتن «هفت کتاب» را شروع کرد.

سفری در ژرفای ذهن

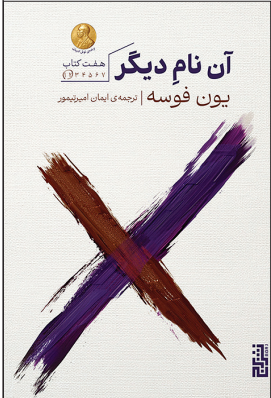
«همیشه تاریک‌ترین بخش تصویر است که بیش از همه می‌درخشد و فکرِ من این است که شاید دلیل این باشد که در ناامیدی و یأس در ظلمات، خدا، نزدیک‌تر به ماست.»

ایین نقل قول از کتاب «آن نامِ دیگر» خواننده‌اش را به سفری

در ژرفای ذهن و روح فرا می‌خواند. آیا می‌شود در هیاهوی سایه‌های زندگی، نور را یافت؟ این رمان با بیانی شاعرانه و تأمل‌برانگیز، شما را به کاوش در این پرسش بنیادی وا می‌دارد. داستان در فضایی سرد و زمستانی در نروژ رخ می‌دهد که با فرهنگ ساده و طبیعت‌محور این کشور گره خورده است. شخصیت‌هایی مثل آسله و ماهی‌گیر قدیمی به زیبایی این بافت محلی را تکمیل می‌کنند. شخصیت‌های اصلی داستان دو مرد به نام «آسله» هستند که هر دو نقاش‌اند و زندگی‌هایی موازی اما متفاوت را تجربه می‌کنند. هر دو آسله با هم رفاقت دارند و زندگی هرکدام، به‌طریقی، انعکاسی از زندگی دیگری است. این اثر با تثری روان و بدون سکنه، خواننده‌اش را به درون لایه‌های عمیق وجود انسان فرو می‌کشد. داستان «آن نام دیگر» در منطقه‌ای دورافتاده در نروژ جریان دارد، جایی که آسله اول، نقاشی تنها و بی‌همسر در روستای دیلگیا زندگی می‌کند. او که زمانی الکلی بوده، حالا به مذهب پناه برده و در خلوت خود به خلق آثار هنری مشغول است. در مقابل، آسله دوم، دوست قدیمی او در شهر بیورگ‌وین (که یادآور برگن نروژ است) زندگی می‌کند؛ مردی که همچنان با الکل و تنهایی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در آستانهٔ کریسمس، آسله اول هنگام سفر به شهر، دوستش را در برف افتاده می‌بیند و او را نجات می‌دهد. این رویداد، بهانه‌ای می‌شود برای کاوش در گذشته و حال این دو مرد که گویی در روی یک سکه‌اند. فوسه با مهارت، زندگی آن‌ها را از طریق فلش‌بک‌ها و تأملات درونی‌شان روایت می‌کند.

فوسه در «آن نام دیگر» از سبکی منحصربه‌فرد استفاده کرده: تثری بدون نقطه که مانند جریانی سیال، ذهن خواننده را با خود می‌برد. این تکنیک، حس تعلیق و پیوستگی را تقویت می‌کند و تجربه‌ای موسیقایی به متن می‌بخشد. نویسنده به موضوعاتی چون هنر، مذهب، مرگ و عشق می‌پردازد. اوسلایک اول با نقاشی‌هایش و دعاهایش به دنبال معناست، در حالی که اوسلایک دوم در تاریکی الکل غرق شده. این دوگانگی، خواننده را به تأمل در انتخاب‌های زندگی وا می‌دارد. فضاسازی مینی‌مالیستی و شخصیت‌پردازی عمیق به کتاب حال و هوایی فلسفی و تأمل‌برانگیز بخشیده و هنر به عنوان زبانی برای بیان احساسات و فهم جهان در سراسر روایت حضوری پررنگ دارد. «آن نام دیگر» اثری است که نه تنها روایت‌گر زندگی دو مرد بلکه پژوهاکی از تجربهٔ انسانی در جهان پیچیده و گاه خاموش پیرامون ماست.

«آن نامِ دیگر» بیش از یک رمان، تجربه‌ای است منحصر به‌فرد؛ تجربه‌ای که شما را به سکوت، تأمل و جست‌وجوی نور در تاریکی دعوت می‌کند. اگر به ادبیاتی عمیق و شاعرانه علاقه دارید، این کتاب شما را ناامید نخواهد کرد. فوسه با این رمان سترگ، نشان می‌دهد که چرا نوبل ادبیات را از آن خود کرده است.



آن نام دیگر

یون فوسه

ترجمهٔ ایمان امیرتیمور

نشر برج

۳۹۲ صفحه

۳۷۰ هزار تومان

از سلسله نشست‌های «کرایّی»، نشست «تاریخ فرهنگی آب در ایران» به همت مجلهٔ «مرد‌نامه» و با همکاری خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی، موسسهٔ اکنون، مدرسهٔ نورزگان، دفتر معماری آیانگاه و کانون جهان ایرانی دانشگاه تهران، شنبه ۱۰ خرداد در سالن فردوسی خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

در ابتدای این نشست فیلم «تالان» به کارگردانی محمدصادق دهقانی پخش شد. بعد از پخش فیلم، دهقانی گفت: «سفر این فیلم ۸ ساله شده است که در این مدت نقاط سفید و امیدبخشی وجود داشته که باعث می‌شود به فیلم‌سازی در زمینهٔ محیط زیست ادامه دهم. این فیلم در سینماهای هنر و تجربه به یکی از فیلم‌های پرفروش سال تبدیل شد. هر کجا که فیلم به نمایش درمی‌آمد، بعد از آن آدم‌های زیادی می‌گفتند چه کاری از دست من برمی‌آید؟ بازخوردهای زیادی از این فیلم گرفته‌ام که بعضی از آن‌ها بسیار جالب بود. قرار نیست کسی برای ما معجزه کند، قرار است خودمان کاری بکنیم. راه نجات محیط زیست از فرهنگ می‌گذرد؛ فرهنگی که در آن یاریگری بوده و آدم‌ها کنار هم آب را نگه می‌داشتند.

ما مردم مهربانی بودیم

در ادامه ژاله آموزگار، استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران گفت: «من نه تبحر و تخصصی در دانش آب دارم و نه دستی در کار و همیشه پرهیز کرده‌ام از این‌که دربارهٔ آنچه نمی‌دانم، اظهار نظر کنم. پس چرا این‌جا هستم؟ برای این که با آنچه خوانده‌ام و می‌خوانم، می‌شنوم و می‌بینم به عمق فاجعهٔ بی‌آبی پی برده‌ام. غم این کمبود را با همه وجودم احساس می‌کنم و مانند شما در عجبم از کسانی که به چنین موضوع حیاتی با بی‌تفاوتی می‌نگرند. در برابر چنین بی‌تفاوتی‌ها، ناخودآگاه و با پوزش از همه می‌خواهم بگویم که گروهی از ما به قانون جنگل بازگشته‌اند. انسان راهی دراز پیموده است تا از قانون جنگل بیرون بیاید و به الفبای تمدن نزدیک شود و مهربانی و همداری را بیاموزد. من اخیراً بنا به مناسبت‌هایی این جمله مارگريت رید را زیاد تکرار می‌کنم. «مهربانی آغاز تمدن است.» گروهی متأسفانه دوباره پیرو قانون جنگل شده‌اند، یعنی فقط من و پول من، من می‌توانم آب بخرم و استخر شخصی‌ام را پر کنم، به من چه که زمین از بی‌آبی قاج قاج شده

گزارش: سینمای ایران

مهربانی، آغاز تمدن است

سخنرانی ژاله آموزگار در نشست **تاریخ فرهنگی آب در ایران**

است، به من چه که بچه سیستانی با آب گودال رفع تشنگی می‌کند. ما این نبودیم، ما مردم مهربانی بودیم و هنوز هم هستیم. ما سده‌ها و سده‌ها در کنار هم با مهربانی زندگی کرده‌ایم. همسایه از درد همسایه خبر داشت. اگر بوی غذای‌مان بلند می‌شد، وظیفه خود می‌دانستیم که همسایه‌مان را هم در آن شریک کنیم. چه شد که ناگهان گروهی از ما چنین شدند که فقط به خود می‌اندیشند، درد دیگران درد آنها نیست، دریاچه ارومیه خشک می‌شود، بشود؛ زاینده‌رود آب ندارد، نداشته باشد؛ آب دریای خزر پایین می‌رود، برود. او که می‌تواند هنوز برای استخرش آب بخرد.»

آموزگار این شعر حافظ را خواند «یاری اندر کس نمی‌بینم یاران را چه شد / دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد؟» و گفت: «چه شد که چنین شد، بنا بر اصل شناخته‌شده‌ای در جامعه‌شناسی نابرابری‌ها، ثروت‌های ناگهانی و بادآورده و بی حدومرز و بسیاری دلایل دیگر که شما بهتر از من می‌دانید بر این بی‌اخلاقی‌ها و خودخواهی‌ها دامن زده است. چطور شد که الان به جان همه پدیده‌های طبیعت افتاده‌ایم. با حرص و ولع هر چه در زیر زمین و روی زمین است، بلعیده‌ایم. زیاله اندوخته‌ایم و بدترین زائنده‌های شیمیایی را در دل این زمین زیبا و دوست‌داشتنی مدفون کرده‌ایم و از سپندارمذ امشاسپند مهربان موکل بر زمین شرم نکرده‌ایم. هر چه توانسته‌ایم بی‌حد و حساب از این زمین بهره‌وری کرده‌ایم. نه خجالت از گذشتگان کشیدیم و نه فکر شرمندگی از آیندگان هستیم که چیزی برای آنها باقی نگذاشته‌ایم. هر چه آب در زیرزمین در طی زمان‌ها انبار شده بود تا از فرونشست زمین جلوگیری کند با بی‌رحمی بیرون کشیدیم، فکر نکردیم این زمین زیرش خالی می‌شود و همه ما را در خود فرو می‌برد. به گیاه و درخت نیندیشیدیم. بدون اینکه توجه کنیم با این کارها آرامش را از خود هم دریغ می‌کنیم. باید شرمنده شویم از گذشتگان اخلاق‌مداران که رویارویی و رفتار مناسب آن‌ها با آب و طبیعت حتی بر زبان مورخانی چون هردوت و استرابون نیز جاری شده است. آنها روایت کرده‌اند که ایرانیان رودها و آب‌های جاری را هرگز آلوده نمی‌کردند حتی آب دهان در آن نمی‌انداختند. دریاها مقدس بودند. نسل من خوب به یاد دارد که خانه و جلوی خانه را می‌زفتند و با آب‌پاش آب‌پاشی می‌کردند و بوی نم‌مشام‌شان را حیات می‌بخشید. دلنان به درد می‌آید وقتی می‌بینید با

عوارض عدم تشکیل یک شورا

عدم تشکیل شورای صنفی نمایش به اکران فیلم‌ها آسیب زده است

اکران فیلم ثبت شده است» که جزئیات آن هنوز اعلام نشده؛ این در حالی است که از اردیبهشت‌ماه، به‌تواتر فیلم‌های متعددی به اکران اضافه شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که اکنون ۱۹ فیلم با تعداد سالن‌ها و سانس‌های متعدد روی پرده سینماها هستند.

در این میان، گفته شده بود، فیلم «پیرپسر» به کارگردانی «اکتای براهنی» که پروانه نمایش آن با رده‌بندی سنی صادر شده است، در بهار اکران می‌شود اما آخرین ماه بهار، به نیمه نزدیک شده و هنوز زمانی برای اکران این فیلم مشخص نشده است. این مساله

تعویق تشکیل شورای صنفی نمایش با گذشت دو ماه‌ونیم از سال، آسیب زیادی به اکران و انتخاب فیلم‌ها وارد کرده است. برخی از فیلم‌ها مانند «پیرپسر»، معطل تشکیل این شورا هستند تا برای اکران آنها تعیین تکلیف شود. البته این اتفاق در صورتی رخ خواهد داد که بهانه دیگری برای عدم اکران آن وجود نداشته باشد و به‌گفته «همایون اسعدیان»، اختلاف میان دو پخش‌کننده اخلاقی در اکران آن ایجاد نکند. فیلم‌هایی مانند «پیرپسر» و حتی «زن و بچه»، مشکلی برای اکران ندارند و پروانه نمایش هم دریافت کرده‌اند اما اکران آنها، هنوز در هاله‌ای از ابهام است و با وجود تمامی مجوزها، نمی‌توان به اکران این آثار اطمینان داشت. فعلا که همه چیز در گروی تشکیل شورای صنفی نمایش است؛ تا این شورا تشکیل نشود، بهانه خوبی برای عدم اکران برخی از فیلم‌ها وجود دارد؛ به‌خصوص فیلم‌هایی که بهانه‌هایی برای به‌نمایش درنیامدن آنها وجود دارد و به‌راحتی می‌توان تعویق اکران آنها را به دلیل عدم تشکیل این شورا دانست.

«۳۱ فروردین‌ماه»، آخرین جلسه شورای صنفی نمایش برگزار شد؛ قرار بود صنوف عضو در این شورا همچون کارگردانان، پخش‌کنندگان و سینماداران، نماینده‌های خود را اعلام کنند تا پس از آن، دوره جدید فعالیت شورا آغاز شود. در این مدت، اگرچه شنیده می‌شد، چهره‌های سینمایی تازه در شورا حضور خواهند داشت اما تاکنون، شورای صنفی تشکیل نشده است و فعلا خبری از جلسه یا مصوبات جدید برای اکران نیست؛ گرچه برای برخی فیلم‌ها تاریخ دقیق اکران اعلام شده است. این اتفاق در حالی رخ داده است که در سال‌های گذشته، عجله زیادی برای تشکیل این شورا وجود داشت و صنوف به‌سرعت، نمایندگان خود را به سازمان سینمایی معرفی می‌کردند تا در برنامه اکران فیلم‌ها خللی به‌وجود نیاید اما جالب این است که انگار امسال، عجله‌ای از سوی صنوف نیز در این باره به چشم نمی‌خورد.

البته همایون اسعدیان – دبیر وقت شورای صنفی نمایش – پیش‌تر به «ایسنا» گفته بود، «در آخرین جلسه‌های شورا تعدادی قرارداد





گزارش: شبکه نمایش خانگی

سقوط آزاد

نگاهی به نقش آفرینی **رضا عطاران** در **اجل معلق و صد دام**

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

سریال «اجل معلق» به کارگردانی «عادل تبریزی» و نویسندگی «حمزه صالحی» بر اساس طرحی از «بهرام افشاری» از دوم خردادماه، از پلتفرم فیلم‌نت و شیدا پخش شد و در همان قسمت اول یا به‌اصطلاح «پایلوت»، تکلیف خود را با مخاطبان روشن کرد. «پایلوت» در همه جای دنیا مهم است چراکه مشخص‌کننده جهان سریال و قوانین آن است و به‌نوعی تعیین‌کننده است که بیننده به ادامه تماشای بقیه قسمت‌های اثر بنشیند یا انصراف دهد. مخاطب از همان ابتدای سریال با تیتراژ آغازین که گویا توسط ساده‌ترین نرم‌افزارهای گوشی همراه ساخته شده است، درمی‌یابد با یک اثر دم‌دستی روبه‌رو است. سریال «اجل معلق» به‌مثابه یک تخته‌سیاه با نوشته‌هایی شلخته است که در آن شوخی با یک طبقه خاص از اجتماع، فقر، بیکاری، دزدی و مرگ به مبتذل‌ترین شکل ارائه شده است؛ نه می‌توان آن را در دسته کمدی تاریک قرار داد، نه طنز فلسفی. «اجل معلق» در یک عبارت کوتاه خلاصه می‌شود: «سریالی مبتذل».

مشکل اصلی «اجل معلق» ابتدا در کارگردانی آن است. عادل تبریزی که پیش از این با دو فیلم «کیچ‌گانه» و «مفت‌بر» خود را در سینما معرفی کرده و نتوانسته بود مخاطب را راضی نگه دارد، قدم در راه جدیدی گذاشت و شانس خود را در نمایش خانگی امتحان کرد اما می‌توان گفت حتی نمره قابل‌قبولی هم در سریال‌سازی نمی‌گیرد چراکه حضور برند «رضا عطاران»، پادشاه کمدین‌ها، اثر را به قهقر برده است. عطاران این روزها در فیلم سینمایی «صد دام» به کارگردانی «پدرام پورامیری» حضور دارد؛ او نقش بدل‌صدام را بازی کرده و روی پرده سینماهاست اما به موفقیت این فیلم کمک نکرده است؛ البته این نارضایتی بیش از هر عاملی، ناشی از ضعف محتواست و کارگردان ناپخته هم نتوانسته است بازی تروتیم و جان‌داری از عطاران بگیرد.

حالا او با ایفای نقش اصلی در سریال «اجل معلق» در راه پیش گرفتن همین مسیر است. تبریزی، سریالی ساخته است که دغدغه‌های اجتماعی‌ای که این روزها بیش از هر زمانی در جامعه پررنگ‌تر شده‌اند را به‌شکل لوئی در آن به‌نمایش می‌گذارد؛ گریم‌های بد، چرک و کثیف نیز مزید بر علت شده‌اند که «اجل معلق» مبتذل و از همان سکانس‌های ابتدایی، تکه‌تکه شود؛ هرچند که فیلم‌نامه نیز به دلیل عدم انسجام به ضعیف‌تر شدن مجموعه کمک کرده است اما نباید منکر روند تولید شد. تا زمانی که تهیه‌کننده قبل از اکران و ارائه نمایش اثر خود، دست‌مزد خود را جلوتر بگیرد، دیگر رضایت مخاطب برای او اهمیتی نخواهد داشت؛ «اجل معلق» نیز از این قاعده مستثنا نیست.



کورآب هم هستیم

داریوش رحمانیان، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران هم با اشاره به «کورآبی» گفت: «عامدانه می‌گوئیم این اصطلاح تلخ و تیز را به کار ببریم. کورآبی یک بیماری است، ناظر به این است که ما یک بیماری به نام کورآبی داریم. ما در گذشته آب را می‌فهمیدیم و می‌شنیدیم. یک بخش ناظر به این مسأله است، وجه دیگر ناظر بر کورآبی در حوزه علم و معرفت و درایت کردن و گفتن و شنیدن است. شاید بشود گفت ۶۰ تا ۷۰ سال است که شماری از استادان بزرگ علم به ویژه علوم انسانی، سخن از آب و بحران آب می‌گویند. گاهی پیش‌بینی‌های شگفت‌انگیزی کردند. باستانی‌پاریزی در دههٔ ۴۰ از «ابلاغ‌چاه عمیق» سخن می‌گوید، البته کمی هم غلو می‌کند. در همان زمان هوشنگ ساعدلو از پیش‌گامان مطالعات روستایی در نامه‌ای از باستانی‌پاریزی تشکر می‌کند. از آن زمان تا امروز بانگ برآوردند، ناله کردند، از این بحران سخن گفتند اما شنیده نشد. امیدوار باشیم، شاید در آینده معجزه‌ای رخ دهد و بحران آب رفع شود، امیدواری عیبی ندارد. مورخ مسأله‌اش گذشته نیست، مورخ گذشته را نبش قبر نمی‌کند. مسأله مورخ اکنون است. مورخ برای مسأله و مشکلات اکنون باید وارد میدان شود. دوربین، توان روایت‌گری دارد. معتقدم زمانی که هنرمندی مانند محمدصادق دهقانی بیاید و بتواند خشک شدن پستان زمین را روایت کند از قلم من موثرتر کار می‌کند. اکنون جهان وارد عصر دیدمانی شده است. اگر دوربین چشم مدرنیته است، پس در بخش آب ما «کورآب» هم هستیم. چند کارگردان تا امروز به موضوع آب پرداخته‌اند؟ هنر سینما و هنر مستندسازی هنوز در عمل کور است و مشکل آب را نمی‌بیند.»

شیلنگ آب برگ‌ها را جارو می‌کنند! می‌دانم که از دست امثال ما بدون پشتیبانی نهادهای دولتی کار چندانی برنمی‌آید. من گاهی خود را در کسوت آن گنجشکی می‌بینم که چون جنگل آتش گرفته بود با منقار کوچکش جرعه‌جرعه از آب دریا می‌گرفت و به جنگل می‌پاشید، به او گفتند جرعه آب تو در برابر این شعله‌ها چه کارایی دارد و او گفت به خودم می‌گویم من هم کاری انجام دادم و من هم دلم را خوش می‌کنم که لااقل بی‌تفاوت نبوده‌ام.»

چگونه باید از این فضای سخت عبور کنیم

همچنین مرتضی فرهادی، استاد تمام حوزهٔ مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی در این نشست گفت: «ما نه تنها با نسل‌های جوان‌تر بلکه با نسل‌های خودمان هم قطع نخاع فرهنگی داریم. چیزی که هست، دردها شکل‌های گوناگونی دارند در حالی که از درون به‌هم سرشته هستند. در اینجا به گفتاری اندک بسنده می‌کنم.» فرهادی به فیلم «تالان» اشاره کرد و افزود: «این فیلم بسیار غم‌انگیز بود و به همان اندازه هشداردهنده. فکر می‌کردم که چگونه باید از این فضای سخت عبور کنیم چون می‌خواهم شما را به رویه دیگری از آب در این سرزمین بکشانم که این قدر هم غم‌انگیز نیست و شاید عجیب باشد که بتوانیم در مورد آب حرف‌های شادی بخش بزنیم. قطع نخاع فرهنگی یعنی اینکه ما چندین وزارتخانه و چندین اندیشکده و دانشکدهٔ آب داریم، میراث فرهنگی داریم، چه تمدنی از تمدن کاریزی ما مهم‌تر است که جای همه مسئولان امروز در این جلسه خالی است! تاریخ‌شناسان و باستان‌شناسان هستند که می‌توانند به ما بگویند که چگونه ملتی می‌توانند در سرزمینی کویری تمدنی به وجود بیاورند که بشر از انجام چنین کاری عاجز بود؟»

پیدا کند». این اظهارات در حالی مطرح شده‌اند که بر اساس گفته سازندگان فیلم، در پروانه نمایش «پیرسر»، رده‌بندی سنی «+۱۸» درج شده است اما اکنون منوط شدن اکران به آیین‌نامه رده‌بندی سنی، محدودیت در تبلیغات و حتی پخش نشدن تیزر فیلم در سینماها و نیز برگزار نشدن جلسات شورای صنفی نمایش، اعتراض سازنده این فیلم را به‌همراه داشته است.

با تمامی این اوصاف، یک پخش‌کننده و سینمادار ابراز امیدواری کرد برای رفع سردرگمی‌ها در اکران و بهبود شرایط فروش، شورای صنفی نمایش زودتر تشکیل شود. سعید خانی -تهیه‌کننده فیلم «رها»، پخش‌کننده و سینمادار- که نامش به‌عنوان یکی از اعضای جدید شورا عنوان شده است درباره شرایط این روزهای اکران گفت: «قبلا سابقه نداشت که در نوبت دوم اکران سال، هفت فیلم به‌صورت هم‌زمان با هم اکران شوند چراکه تنها زمانی که این تعداد فیلم روی پرده می‌آمدند، در اکران نوروز بود و پس از آن به‌تدریج با کم شدن فروش فیلم‌ها، آثار دیگر جایگزین می‌شدند اما الان همه سردرگم هستند».

او افزود: «استقبال و فروشی که از اکران امسال انتظار داشتیم، برآورده نشده است. در این سه ماه، در نوبت اول و دوم اکران، هر بار دست‌کم هفت فیلم، اکران شدند؛ درصورتی که بهتر بود فیلم‌هایی که به کف فروش رسیده‌اند با فیلمی دیگر جایگزین شوند اما عدم برگزاری جلسات شورای صنفی نمایش سبب شده است که فیلم‌های ضعیف همچنان به اکران خود ادامه دهند». خانی همچنین بیان کرد: «در سالی که حدود یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار نفر آفت مخاطب داریم، ادامه شرایط اکران با این روند مناسب نیست؛ امیدوارم شورای صنفی نمایش زودتر تشکیل جلسه بدهد تا کمکی به بهبود روند شود». آنچه خانی درباره آفت مخاطب می‌گوید، بر این اساس است که تعداد مخاطبان فروردین و اردیبهشت‌ماه امسال در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر آفت کرده است. امیرحسین علم‌الهدی -کارشناس سینما- در این باره گفته بود: «اگر سینمای ایران به تنوع مضامین متعهد نباشد و بازیگر جدید اضافه نکند و به سمت تولیدات جسورتر نرود، نمی‌تواند به رشد پایدار برسد. با وجود اینکه پارسال در مقایسه با دو دهه ۸۰ و ۹۰ از منظر تعداد مخاطب، سال خیلی خوبی بود (با حدود ۳۴ میلیون نفر) اما اگر با همین دست‌فرمان جلو برویم، به‌نظر می‌رسد که امسال به عدد حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر برسیم که نسبت به آن ۳۴ میلیون با ۱۰ تا ۱۴ میلیون کاهش مواجه خواهیم شد».

سبب انتقاد آکنای براهنی هم شده است؛ او چند روز پیش در متنی با اشاره به استقبال از فیلم پس از نمایش در جشنواره فجر و صدور پروانه نمایش فیلم، از سنگ‌اندازی‌های به‌گفته خودش از سوی دوست و دشمن برای اکران گله کرده و نوشته بود: «هر بار به ما وعده زمانی جدید داده‌اند؛ از نوروز به اکران دوم عید، از آنجا به اردیبهشت‌ماه و بعد هم به خردادماه. حالا هم که چند روزی از خردادماه گذشته، انگار نه‌انگار».

پیش‌تر، روح‌الله حسینی، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی در گفت‌وگویی با «ایسنا» بیان کرده بود: «برای فیلم «پیرسر» ابتدا باید آیین‌نامه رده‌بندی سنی نهایی و ابلاغ شود. البته در گذشته هم چنین آیین‌نامه‌ای وجود داشت ولی باید در دوره جدید بازنگری و ابلاغ شود تا بعد بر اساس آن، فیلم‌هایی شبیه «پیرسر» اکران شوند. من امیدوارم در همین فصل بهار آیین‌نامه نهایی شود تا فیلم «پیرسر» که مشکلی هم برای نمایش ندارد، امکان اکران





سال هشتم شماره ۱۹۸۴
دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

بازار روز

رشد ناچیز

چرا بازار سهام با جهش مواجه نشد؟



نسربین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام پس از رشد محدود در نخستین روز معاملاتی هفته دوم خرداد ۱۴۰۴ در معاملات روز گذشته نمایش ضعیفی نشان داد و با عقب‌نشینی گسترده نماگرها مواجه شد. در معاملات دیروز، خروج ۲ هزار و ۹۴ میلیارد تومانی، سرمایه حقیقی از بازار نیز به‌وضوح نشان‌دهنده کاهش اعتماد فعالان خرد به روند بازار است. شاخص کل بورس تهران با افت ۱.۱۵ درصدی به محدوده ۳ میلیون و ۱۰۷ هزار واحدی رسید؛ از سوی دیگر، شاخص هم‌وزن نیز که نمای دقیق‌تری از وضعیت کلی بازار، به‌ویژه میان شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه می‌دهد، با کاهش ۰.۹۸ درصدی در سطح ۹۵۸ هزار واحدی ایستاد. شاخص کل فرابورس نیز از فشار فروش در امان نماند و با افت ۰.۳۳ درصدی به سیر نزولی بازار مهر تایید زد.

علاوه بر عقب‌نشینی شاخص‌ها، ارزش معاملات خرد دیروز به ۹ هزار و ۲۵۹ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که به‌گونه‌ای محسوس، پایین‌تر از میانگین ۱۳ هزار میلیارد تومانی ثبت شده در ۴۶ روز کاری گذشته سال ۱۴۰۴ است؛ این دومین روز متوالی است که ارزش معاملات خرد به پایین مرز ۱۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد که این موضوع می‌تواند، نشانه‌ای از ضعف تقاضا و عقب‌نشینی فعالان حقیقی از بازار باشد.

بررسی وضعیت بازار سهام نشان می‌دهد، عامل اصلی فضای تردید بر دادوستدهای بورسی، ابهامات سیاسی و اقتصادی است. یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار در روزهای اخیر، وضعیت بالاتکلیف مذاکرات هسته‌ای است؛ در شرایطی که هنوز سیگنال‌های قطعی از نتیجه این مذاکرات به بازار مخابره نمی‌شود، معامله‌گران نیز با احتیاط بیشتری عمل می‌کنند.

نبرد افق روشن در حوزه سیاست خارجی موجب شده است که سرمایه‌گذاران از ورود مجدد به بازار پریسک سهام اجتناب کنند. در بازار ارز، دلار برای دهمین روز متوالی در کانال ۸۲ هزار تومان نوسان داشت. ثبات نسبی نرخ ارز در این محدوده بیشتر حاصل خوش‌بینی‌های ناشی از احتمال توافق سیاسی است. کاهش قیمت دلار از سطوح بالای ۱۰۰ هزار تومان به کانال فعلی، باعث تغییر جهت انتظارات تورمی در بازار دارایی‌ها از جمله طلا و سکه شده است. در همین راستا صندوق‌های طلای بورسی نیز در سال جاری با افت متوسط ۲۰ درصدی مواجه شده‌اند و خروج ۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از این صندوق‌ها ثبت شده است. در دومین روز معاملاتی از هفته دوم خرداد ۱۴۰۴ شاخص کل بورس تهران با افت بیش از یک درصدی، دوباره در آستانه از دست دادن کانال ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی قرار گرفت. شاخص هم‌وزن نیز حدود یک درصد افت ارتفاع داشت و به سطح ۹۵۸ هزار واحدی رسید؛ همچنین برای سومین روز متوالی شاهد خروج پول از بازار بودیم و بیش از ۲ هزار میلیارد تومان سرمایه حقیقی از بازار خارج شد. در روزی که بیش از ۷۰ درصد نمادهای بازار در محدوده منفی به کار خود خاتمه دادند، سه نماد وبملت، شستا و خودرو بیشترین خروج پول را به خود اختصاص دادند.

روز یک‌شنبه گروه بانکی مجدد بیشترین ارزش معاملات را از آن خود کرد و نمادهای این گروه بیش از ۱۱۰۰ میلیارد تومان معامله شدند. خودرویی‌ها هم که شاهد بازگشایی نماد اصلی خود یعنی «خودرو» بودند ۹۳۵ میلیارد تومان دادوستد شدند؛ با این حال، هر دو گروه شاهد خروج پول حقیقی بودند و در مجموع حدود ۶۰۰ میلیارد تومان سرمایه حقیقی از این دو گروه خارج شد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد از اواسط اردیبهشت‌ماه از شتاب رشد بورس کاسته شده به‌گونه‌ای که بازار سهام حتی با خروج پول حقیقی نیز درگیر بوده است. این وضعیت بعد از تعویق ۸ روز دوره چهارم مذاکرات میان ایران و آمریکا به‌وجود آمد و همچنان هم ادامه دارد. مختصات رفتار بورس‌بازان در ۵۰ روز گذشته نشان می‌دهد، هرگاه سناریوهای خوش‌بینانه مذاکراتی کم‌رنگ جلوه کرده‌اند، بازار سهام بلافاصله در واکنشی سریع، تغییر استراتژی سهام‌داران را ثبت کرده است.

چالش‌های وزیر جوان

سیدعلی مدنی‌زاده به‌عنوان وزیر اقتصاد به مجلس معرفی شد
او چه ماموریت‌هایی بر عهده دارد و چگونه از پس آنها بر می‌آید؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

از روزی که «عبدالنصر همتی» موفق به کسب رای مجدد از مجلس شورای اسلامی نشد ۹۰ روز می‌گذرد تا اینکه سرانجام، «سیدعلی مدنی‌زاده» که دانش‌آموخته اقتصاد از دانشگاه شیکاگو است به‌عنوان وزیر پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی معرفی شد. مدنی‌زاده در مکتبی تحصیل کرده است که آموزه‌های آن به تقویت رشد اقتصاد و کاهش تورم منجر می‌شود. اقتصاددانان می‌گویند، یکی از مهم‌ترین الزامات اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی، اعتبار سیاست‌مداران نزد آحاد اقتصادی است. تحقیقات نشان می‌دهند اگر سیاست‌گذاران اقتصادی و مقامات سیاسی به برنامه‌های ضدتورمی شهرت داشته باشند، سیاست‌های اعلامی آنها برای کنترل تورم نیز نزد عاملان اقتصادی اعتبار بیشتری خواهد داشت.

علی مدنی‌زاده یک متخصص در زمینه کاهش تورم است؛ هرچند کاهش یا افزایش تورم به‌طور مستقیم، ربطی به وزارت اقتصاد ندارد اما وزیر اقتصاد در سیاست‌گذاری، نقش اساسی دارد و بدون حمایت او بانک مرکزی هم قادر به پیشبرد سیاست‌های خود نیست. مدنی‌زاده سابقه اجرایی ندارد اما تحصیل‌کرده اقتصاد در یکی از بهترین دانشگاه‌های جهان است؛ اکنون در آستانه یک تغییر بسیار مهم در عرصه سیاسی و بین‌المللی، ماموریتی مهم بر دوش او گذاشته می‌شود. مهم‌ترین ماموریت وزیر جدید اقتصاد ایران با در نظر گرفتن دو سناریوی توافق ایران

و آمریکا و به توافق نرسیدن دو کشور، حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از شوک به اقتصاد کشور است اما این ماموریت، بسته به شرایط موجود با رویکردها و اولویت‌های متفاوتی اجرا می‌شود. در هر دو حالت، هدف اصلی بهبود وضعیت اقتصاد، افزایش پایداری مالی و ایجاد بستری مناسب برای رشد و توسعه است اما ابزارها و استراتژی‌های مورد استفاده در هر سناریو، تفاوت‌های اساسی دارند.

با در نظر گرفتن اینکه اولین میوه زودرس رفع تحریم، رونق گرفتن تجارت خارجی است، وزیر جدید اقتصاد باید نخستین

ترجمه

گرفتار بین آمریکا و چین

ویتنام چه مسیری پیش رو دارد؟

مهتا معرفت

مترجم

«تو لام» (To Lam) دبیرکل حزب کمونیست ویتنام، اولین رهبر آسیایی‌ای بود که پس از اعلام تعرفه‌های متقابل در ماه آوریل در باغ رز با «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، تلفنی صحبت کرد؛ او پیشنهاد کرد که تمامی تعرفه‌های کالا‌های آمریکایی را بردارد. ترامپ در پستی در صفحات اجتماعی از لام تقدیر کرد اما چند روز بعد و پس از آنکه لام از «شی جین‌پینگ» رهبر چین میزبانی کرد، لحن خود را تغییر داد. این دومین دیدار رسمی شی از هانوی در سه سال اخیر بود. ترامپ اظهار کرد که این دو نفر با یکدیگر دیدار می‌کنند تا تصمیم بگیرند چگونه می‌توانند به آمریکا ضربه بزنند.

در حال حاضر، ویتنام بیش از هر کشور دیگری در مسائل ژئوپلیتیکی گرفتار شده است؛ این کشور در بسیاری از زنجیره‌های تامین، جایی بین آمریکا و چین قرار می‌گیرد

ماموریت خود را «نظم‌ونسق بخشیدن به فرآیندهای گمرکی» در نظر بگیرد که در سال‌های گذشته، به‌واسطه تحریم‌ها، دچار سخت‌گیری‌های نابجا و سنگین‌تر شدن بروکراسی شده‌اند. تسهیل فرآیندهای گمرکی برای سادسازی ورود و خروج کالا با هدف توسعه صادرات که به‌طور مشخص به بهبود مدیریت منابع درآمدی دولت و افزایش درآمدهای ارزی منجر می‌شود و انگیزه فعالیت در بخش خصوصی را فراهم می‌کند، می‌تواند در صدر اولویت‌های رسیدگی و بازبینی وزارت اقتصاد قرار گیرد تا صادرکنندگان و واردکنندگان از بند گرفتاری‌های اداری و صرف هزینه زیاد و هدررفت وقت رها شوند. اولویت دوم بدون تردید، «مدیریت صحیح درآمدهای نفتی» از طریق سیاست‌گذاری درست ارزی در بانک مرکزی است.

نقاط ضعف

نبرد سابقه اجرایی در مناصب کلان اقتصادی، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف مدنی‌زاده است که می‌تواند اعتماد



نمایندگان مجلس و فعالان اقتصادی را نسبت به توانایی او در مدیریت عملی چالش‌های پیچیده اقتصادی ایران کاهش دهد به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد کشور با تورم بالا، کسری بودجه مزمن، تحریم‌های بین‌المللی و بی‌ثباتی در بازارهای مالی مواجه است. او باید سیاست‌های مالی و اقتصادی کلان را تنظیم کند، ازجمله مدیریت مالیات‌ها، نظارت بر گمرک و هماهنگی با نهادهای بین‌المللی‌ای که نیازمند تجربه عملی در مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های حساس است. همچنین وزارت اقتصاد مسئولیت نظارت بر شرکت‌های دولتی، مدیریت

بدهی‌های دولت و انتشار اوراق مشارکت را بر عهده دارد که بدون تجربه اجرایی، اجرای دقیق و سریع این وظایف دشوار خواهد بود. مدنی‌زاده باید با نهادهای قدرتمند مانند بانک مرکزی، هماهنگی داشته باشد که این امر نیازمند مهارت‌های بالای مدیریتی و سیاسی است؛ در نهایت، پاک‌دستی و سوابق علمی او می‌تواند مزیت باشد اما تبدیل دانش نظری به سیاست‌های اجرایی موفق در بستر پیچیده اقتصادی و سیاسی ایران، آزمونی بزرگ برای او خواهد بود.

سیدعلی مدنی‌زاده برای موفقیت به‌عنوان وزیر اقتصاد باید از برخی اقدامات پرهیز کند تا اعتماد عمومی، نمایندگان مجلس و فعالان اقتصادی را حفظ کرده و از تشدید مشکلات اقتصادی جلوگیری کند. او نباید سیاست‌های اقتصادی را بدون توجه به واقعیت‌های بومی ایران مانند ساختار بازار کار، سطح درآمد خانوارها و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها فقط بر اساس مدل‌های نظری یا تجربه‌های کشورهای دیگر پیاده‌سازی کند زیرا این کار می‌تواند به ناسازگاری سیاست‌ها

و مقاومت اجتماعی منجر شود. اجتناب از تصمیم‌گیری‌های شتابزده و بدون پشتوانه کارشناسی به‌ویژه در زمینه‌هایی همچون اصلاح نظام مالیاتی یا انتشار اوراق بدهی، ضروری است چراکه اشتباه‌ها در این حوزه‌ها می‌توانند کسری بودجه را تشدید کند یا تورم را افزایش دهد. او نباید هماهنگی با نهادهای کلیدی مانند بانک مرکزی یا سازمان برنامه‌بودجه را نادیده بگیرد چراکه ناهماهنگی می‌تواند منجر به ایجاد حواشی غیرضروری برای او شود. مدنی‌زاده باید از وعده‌های غیرواقعی‌بنانه مانند کاهش سریع تورم یا رشد شتابان اقتصاد، پرهیز کند زیرا ناتوانی در تحقق این وعده‌ها، اعتبار او و

دولت را تضعیف می‌کند. همچنین نباید اجازه دهد ملاحظات سیاسی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اولویت پیدا کند زیرا این امر می‌تواند به اتخاذ سیاست‌های کوتاه‌مدت و ناپایدار منجر شود. نادیده گرفتن نظرات بخش خصوصی و فعالان اقتصادی نیز می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری و اعتماد بازار منجر شود. درنهایت، او نباید از شفافیت در عملکرد وزارت‌خانه و ارائه گزارش‌های دقیق به مردم و مجلس غفلت کند چراکه این مساله می‌تواند، اعتماد عمومی را تضعیف کند و حمایت عمومی را از بین ببرد.

را دنبال می‌کند و از زمان رسیدن به مقام دبیرکلی حزب از ۱۳ کشور بازدید کرده است.

هدف «تو لام» از این سفرها چیست؟ به نظر می‌رسد هدف او، کاهش وابستگی ویتنام به آمریکا و چین باشد. برقراری همکاری‌های اقتصادی نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا و وجود توافق تجارت آزاد با این اتحادیه به ویتنام کمک می‌کند که اثرات منفی کاهش صادرات به آمریکا را خنثی کند. روسیه می‌تواند در ساخت نیروگاه‌های کوچک هسته‌ای به یاری ویتنام بشتابد. کره‌جنوبی نیز که سرمایه‌گذاری‌های زیادی در ویتنام انجام داده است، می‌تواند تسلیحات ارزان‌قیمت مورد نیاز این کشور را تامین کند. دبیرکل حزب کمونیست ویتنام از دیگر قدرت‌های متوسط از جمله اعضای پیمان مشارکت فرااقیانوسیه یا بلوک «آسه‌آن» نیز غافل نیست؛ ویتنام عضوی با فعالیت اندک در آسه‌آن است اما شاید لام بتواند برای آزادسازی در آسه‌آن تلاش کند. در دهه ۱۹۹۰ یک منطقه تجارت آزاد تشکیل شد اما موانع غیرتعرفه‌ای که آن را تضعیف می‌کنند، هنوز بابر جا هستند.

منبع: اکونومیست

و این دو کشور بزرگ‌ترین شرکای تجاری ویتنام هستند. ویتنام همانند چین، کشوری با دیکتاتوری کمونیستی است اما سر حق ماهی‌گیری و استخراج مواد معدنی در دریای جنوب چین با این کشور اختلاف دارد.

ویتنام تحت رهبری «نگوین فوچونگ» که سال گذشته درگذشت، سیاست «دیپلماسی بامبو» را دنبال می‌کرد. بر اساس این سیاست، وقتی قدرت‌های بزرگ به تهدید روی می‌آورند، کشور باید خم شود اما نشکند.

دیگر کشورهای غیرمتحد به دردمسر افتادند اما ویتنام عمدتاً از آسیب‌ها دور ماند. به‌عنوان مثال این کشور پذیرفت که حمله روسیه به اوکراین را محکوم کند اما همانند کشورهای دیگر همچون هند و آفریقای جنوبی، آماج سرزنش قرار نگرفت.

«آندرو گلدزینوسکی» (Andrew Goldzinski) که تا همین اواخر سفیر استرالیا در هانوی بود، می‌گوید: «چگونه ویتنام توانست چنین کاری را انجام دهد؟ موضوع آنها ویژه است چون حجم زیادی از سرمایه اخلاقی دارند». «تو لام» نیز با انرژی تمام، روابط تجاری، دفاعی و دیپلماتیک

نفس تنگی سیستان

طوفان ۱۲۰ روزه سیستان چالش‌های ناپایدار اقلیمی و زنجیره ناکارآمدی در بحران مدیریت را عیان کرده است



گروه اجتماعی: نخستین روزهای خردادماه امسال، استان سیستان و بلوچستان با طوفانی سهمگین از بادهای ۱۲۰ روزه مواجه شد؛ بادهایی خشک، شدید و پر قدرت که نه تنها آسمان منطقه را در غباری سنگین فروبردند بلکه مشکلات جدی در بخش‌های حمل‌ونقل، سلامت عمومی و زیرساخت‌های محلی ایجاد کردند. این طوفان با سرعتی بی‌سابقه تا ۹۷ کیلومتر بر ساعت، شهر زابل را درنوردید و کیفیت هوا را در زاهدان به سطح «ناسالم برای گروه‌های حساس» رساند؛ شرایطی که موجب بروز دو حادثه زنجیره‌ای در مسیر زاهدان به زابل شد و ۴۶ نفر را روانه مراکز درمانی کرد.

بادهای ۱۲۰ روزه، پدیده‌ای منحصربه‌فرد منطقه سیستان است که از اواخر اردیبهشت تا اواخر شهریور به‌گونه‌ای مداوم وزش می‌کند. این باده‌ها در گذشته، نقش چندگانه و مثبت داشتند؛ از خشک کردن محصولات کشاورزی تا خنک کردن خانه‌ها اما اکنون به‌واسطه فرسایش خاک، تخریب تالاب هامون و بیابان‌زایی به تهدیدی پیچیده و چندوجهی بدل شده‌اند؛ بحرانی که نه تنها سلامت ساکنان را تهدید می‌کند بلکه باعث آسیب جدی به اقتصاد محلی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و آموزش نیز شده است.

امسال، آغاز طوفان با سرعت‌های شدید و گستردگی زیاد، نارضایتی‌ها و نگرانی‌های تازهای را به‌همراه داشته است. گزارش‌ها

گزارش: حوادث

ناپدید شدن مهسا

گم شدن دختر ۲۴ ساله در راه خانه، سبب بسیج مجازی مردم برای پیدا کردن او شد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

صفحات شبکه‌های مجازی در روزهای اخیر از تصویر دختری ۲۴ ساله به نام «مهسا حسین‌نژاد» پر شده‌اند؛ مهسا روز «چهارم خردادماه» در مسیر بازگشت به خانه‌اش ناپدید شد و حالا همه با اشتراک‌گذاری تصویر او می‌خواهند هرچه زودتر این دختر گم‌شده، پیدا شود. در شبکه‌های اجتماعی، چهره‌های شناخته‌شده اینستاگرام و توییتر از جمله پیج‌های پر مخاطب و اینفلوئنسر‌ها با انتشار گسترده عکس و اطلاعات او و درخواست کمک برای یافتن در این ماجرا مشارکت کرده‌اند. کاربران بسیاری هم‌زمان با انتشار خبر با هشتگ‌های مرتبط و استوری‌های خود در اینستاگرام و توییتر، خواستار سرعت بخشیدن به جست‌وجو شده‌اند. برخی رسانه‌های رسمی نیز به پوشش این رویداد پرداخته و گزارش‌های تحلیلی و خبری‌ای درباره آن منتشر کرده‌اند. میان بازتاب‌ها، طرح‌های گرافیکی‌ای به‌منظور حمایت و هم‌ردی با خانواده الهه منتشر شد؛ کارشناسان و خبرنگاران نیز با دعوت از افکار عمومی برای کمک به شفاف‌شدن این پرونده، تلاش کرده‌اند توجه بیشتری را نسبت به آن جلب کنند.

هم‌زمان، پلیس غرب استان تهران اعلام کرده است که پرونده را جدی دنبال می‌کند. بر اساس بیانیه رسمی پلیس، پرونده ابتدا توسط پلیس آگاهی اسلام‌شهر تشکیل شده بود اما شواهد اولیه حاکی از آن است که محل احتمالی وقوع حادثه، حوالی میدان آزادی و فشافویه (منطقه ری) است؛ از این‌رو، این پرونده از صلاحیت پلیس اسلام‌شهر خارج شده و برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران بزرگ ارجاع شده است. در بیانیه پلیس تاکید شده که یافتن این شهروند در اولویت کاری است و تلاش‌های گسترده‌ای برای روشن شدن وضعیت او در جریان است. مقامات انتظامی از عموم شهروندان خواسته‌اند هرگونه اطلاعات مرتبط را از طریق تماس با شماره ۱۱۰ در اختیار پلیس قرار دهند تا روند تحقیقات تسریع شود.

برخی گزارش‌ها، حاکی از آن هستند که «الهه حسین‌نژاد» (معروف به مهسا) بامداد یکشنبه (۴ خرداد ۱۴۰۴) پس از پایان شیفت‌کاری در تهران با خودروی شخصی به‌سمت میدان آزادی حرکت کرده و در مسیر بازگشت به منزل در اسلام‌شهر در محدوده میدان آزادی ناپدید شده است. او در آخرین تماس تلفنی در راه بازگشت اعلام کرده بود «در مسیر برگشت به خانه است» اما بلافاصله پس از آن، ارتباط تلفنی مهسا قطع شده و دیگر هیچ تماسی از او حاصل نشده بود. خانواده پس از

حاکی از آن هستند که دید افقی در زابل به یک‌هزار و ۲۰۰ متر کاهش یافته و تردد در جاده زاهدان به زابل به دلیل کاهش دید و گردوخاک شدید با اختلال جدی مواجه شده است. این شرایط دشوار منجر به وقوع دو تصادف زنجیره‌ای در حوالی «یادمان شهدا» شد که ۴۶ نفر از هم‌وطنان را مصدوم کرد. در حالی که فوریت‌های پزشکی در کمتر از ۱۰ دقیقه، خود را به محل حادثه رساندند اما شدت طوفان، روند امدادرسانی را با مشکلات متعددی مواجه کرد.

نکته تاسف‌آور در این حادثه، نبود زیرساخت‌های کافی و تدابیر پیشگیرانه در مسیرهای پرتردد است؛ نبود سازه‌های بادشکن، تابلوهای هشداردهنده و سامانه‌های فعال اطلاع‌رسانی جاده‌ای باعث شده است این بحران سالانه تکرار نشود و خسارات جانی و مالی قابل‌توجهی بجا بگذارد. این امر، شکاف عمیق میان توان مدیریت بحران و نیازهای واقعی منطقه را به‌تصویر می‌کشد.

هم‌زمان، کیفیت هوای شهرستان‌های شمال استان نیز در وضعیت هشداردهنده‌ای قرار گرفته است؛ شاخص کیفیت هوا در زابل به ۱۱۹ در نمره ۱۶۳ و در زهک به ۳۱۲ رسیده است؛ این اعداد بیان‌گر شرایطی «ناسالم» تا «خطرناک» هستند که سلامت تمامی گروه‌های سنی را تهدید می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که ذرات معلق گردوغبار در منطقه، تنها محدود

این موضوع، بلافاصله به پلیس مراجعه کرده و پرونده‌ای برای یافتن الهه تشکیل داده‌اند.

عموی الهه که با رسانه‌ها گفت‌وگو کرده است، می‌گوید: «الهه همیشه دختر منظمی بود و رفت‌وآمدش بین خانه و محل کار، دقیق و مشخص بود. در آخرین تماسش گفت در راه بازگشت به خانه است اما ناگهان، ارتباط ما قطع شد. مطمئنم که او بدون اراده خودش ناپدید شده است. وقتی تماس‌ها بی‌پاسخ ماند، متوجه شدیم اتفاقی افتاده است و بلافاصله موضوع را به پلیس گزارش دادیم». او در ادامه از تلاش‌های نیروهای انتظامی قدردانی کرده و از مردم خواسته است در صورت مشاهده یا داشتن اطلاعاتی درباره الهه، موضوع را به‌سرعت به پلیس اطلاع دهند: «خواهش می‌کنیم اگر کسی الهه را دیده است یا اطلاعی از او دارد با ما یا پلیس تماس بگیرد. هر ثانیه برای ما حیاتی است». همچنین رسانه‌های رسمی خبر داده‌اند که کارشناسان پلیس آگاهی



مشغول بررسی تخصصی پرونده هستند و به‌محض دستیابی به اطلاعات جدید، نتیجه آن را به اطلاع عموم خواهند رساند.

ناپدید شدن‌های مشابه در سال‌های اخیر

این حادثه برای خانواده و جامعه محلی، یادآور پرونده‌های ناپدید شدن مرموز دیگری است که در سال‌های گذشته نیز رخ داده‌اند.

■ **شها رضائزاد-** تابستان ۱۳۹۹ (ارتفاعات جهان‌نما، گلستان): «سها» ۲۷ ساله از کرج بود که با یک گروه گردشگری به ارتفاعات حفاظت شده «جهان‌نما»ی شهرستان کردکوی در استان گلستان رفت. او از صبح روز «۲۰ تیر ۱۳۹۹» ناپدید شد. جست‌وجوهای شبانه‌روزی هلال‌احمر، پلیس و اهالی محلی در شرایط بارندگی و مه‌گرفتگی نتیجه‌ای نداشت تا اینکه پس از حدود ۲۸ روز (۱۸ مرداد) پیکری یافت

به یک نقطه نیستند و متاثر از عوامل متعددی مانند شرایط جغرافیایی، جهت باد و تراکم ذرات، پراکندگی گسترده‌ای دارند. کارشناسان بهداشتی با تاکید بر آسیب‌های جدی این پدیده، از شهروندان خواسته‌اند که به ویژه گروه‌های حساس مانند کودکان، سالمندان و بیماران قلبی-ریوی از قرار گرفتن در فضای باز و فعالیت‌های فیزیکی شدید خودداری کنند و در صورت بروز علائم تنفسی حاد، به‌سرعت به مراکز درمانی مراجعه کنند. همچنین توصیه شده است که درب و پنجره‌ها بسته نگه داشته شوند و از سفرهای غیرضروری در مسیرهای بیابانی یا مناطق با دید محدود اجتناب شود.

اقدامات ستاد بحران استانداری در کاهش ساعات کاری ادارات دولتی در مناطق درگیر طوفان، اگرچه تلاشی در جهت کاهش مواجهه جمعی با آلودگی هواست اما نمایان‌گر ضعف ساختاری‌ای است که نیازمند برنامه‌ریزی جامع و بلندمدت است. نبود پروتکل‌های واحد، هماهنگی ناکافی بین دستگاه‌های مختلف و کمبود بودجه و زیرساخت‌های لازم، شرایط اضطراری این منطقه را به یک معضل مزمن تبدیل کرده است.

طوفان‌های گردوخاک تنها تهدیدهای جاده‌ای و بهداشتی را افزایش نمی‌دهد بلکه موجب خسارات قابل‌توجهی به کشاورزی،

شد که به‌گفته پلیس و هلال‌احمر، احتمال دادند، متعلق به سها باشد. با این حال، وکیل خانواده گفت چهره جسد قابل شناسایی نیست و باید آزمایش DNA تایید شود. رئیس پلیس گلستان، فرضیه قتل را به‌طور قاطع رد کرد و گفت شواهد حاکی از سقوط یا گم شدن ناخواسته این زن طبیعت‌گرد است؛ کارآگاهان نیز سه نفر از همراهان او را بازداشت کرده و تحقیقات تخصصی را از آن‌ها آغاز کرده‌اند.

■ **سما سیمیران جهان‌نبار-** تیر ۱۴۰۱ (شهر شیراز): «سما» ۲۲ ساله، اهل اصفهان بود که «۲۵ تیر ۱۴۰۱» در منطقه پرفرت‌وآمد «معالی‌آباد» شیراز، به‌صورت مرموزی، ناپدید شد. بیش از دو سال از این ماجرا می‌گذرد و خانواده می‌گویند با وجود تلاش‌های پلیس و رسیدگی مقامات قضایی هیچ سرنخی از او به‌دست نیامده است. به‌گزارش رسانه‌ها، هم‌زمان با ناپدید شدن سما، اعتراضات سراسری تابستان ۱۴۰۱ در کشور جریان داشت که باعث شد، خبر گم‌شدن او ابتدا کمتر در فضای رسانه‌ای دیده شود. پدر سما در مصاحبه‌ای با رسانه‌ها از امیدواری برای یافتن فرزندش سخن گفته و حتی خواستار انتقال پرونده به پلیس تهران برای پیگیری دقیق‌تر شده است.

■ **یسنا دیدار-** اردیبهشت ۱۴۰۲ (استان گلستان): «یسنا»، دختر بچه چهارساله ساکن روستای «یلی‌بدرق» در شهرستان کاله بود که عصر یک‌شنبه (۹ اردیبهشت ۱۴۰۲) هنگام بازی در مزارع روستایی ناگهان ناپدید شد. مادرش در گفت‌وگو با خبرگزاری‌ها گفت بر اثر غفلت کوتاه، یسنا از دید او فاصله گرفت و به دلیل ارتفاع بالای محصولات کشاورزی از دید پنهان شد. از ساعات اولیه اعلام مفقودی، هلال‌احمر گلستان همراه با گروه‌های امدادی محلی، بهپاد، سنگ جست‌وجوگر و پالگرد وارد عمل شدند و جست‌وجو در شعاع ۵ کیلومتری را آغاز کردند. با گذشت پنج روز از مفقود شدن یسنا، هنوز هیچ نشانی از این کودک به‌دست نیامد و تلاش‌های تخصصی ادامه دارد. مردمی که اخبار این حادثه را دنبال می‌کنند ضمن ابراز هم‌دردی، پیشنهادهایی نظیر بررسی دالان‌ها و چاه‌های اطراف را برای تیم‌های جست‌وجو مطرح کرده‌اند.

اجتماعی به پرونده ناپدید شدن الهه حسین‌نژاد، نشان‌دهنده اضطراب عموم از وقوع حوادث مشابه است؛ در عین حال سرعت و شفافیت روند اطلاع‌رسانی می‌تواند به آرامش افکار عمومی کمک کند؛ آن‌طور که پلیس قول داده است به‌محض دسترسی به اطلاعات جدید، آن را به‌اطلاع عموم می‌رساند. در این میان مطالبه عموم و رسانه‌ها، افزایش سطح پاسخ‌گویی پلیس و بررسی دقیق‌تر پرونده است تا هرچه زودتر، تکلیف این دختر جوان روشن شود.

دامداری و زیرساخت‌های گلخانه‌ای می‌شوند؛ کیفیت خاک سطحی را کاهش داده و با زدهی زمین‌های کشاورزی را به‌شدت تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. این امر کنار خشک‌سالی و کم‌آبی، باعث تشدید مهاجرت خاموش از روستاهای سیستان شده است؛ مهاجرتی که پیامدهای امنیتی و اجتماعی عمیقی را به‌دنبال دارد.

واقعیت تلخ، این است که بحران بادهای ۱۲۰ روزه و پیامدهای آن، نه تنها یک مشکل اقلیمی بلکه چالشی ملی است که نیازمند عزم، بودجه و مدیریت یکپارچه از سوی وزارت‌خانه‌های مرتبط است؛ همکاری میان وزارت راه، کشور، کشاورزی، بهداشت و محیط‌زیست برای تدوین برنامه‌های بلندمدت مقابله با بیابان‌زایی، توسعه زیرساخت‌های مقاوم و بهبود اطلاع‌رسانی، حیاتی به‌نظر می‌رسد.

سیستان و بلوچستان با تاریخچه‌ای طولانی از بادهای ۱۲۰ روزه امروز بیش از هر زمان دیگری، نیازمند راهکارهای نوآورانه و اجرایی برای مقابله با این بلای طبیعی است؛ راهکارهایی که بتوانند سلامت مردم را حفظ کنند، زیرساخت‌های حیاتی را تقویت کنند و از مهاجرت‌های ناخواسته جلوگیری کنند؛ در غیر این صورت، تکرار سالانه این طوفان‌های سهمگین، هر بار هزاره‌های انسانی، اقتصادی و اجتماعی بیشتری را به این منطقه تحمیل خواهد کرد.

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

خرس از قفس گریخت!



علیرضا جباری‌زادگان

کارشناس برنامه‌ریزی شهری

صبحی معمولی در پارک پردیسان است. از آن صبح‌هایی که تهران، هنوز چشم‌پاشی را باز نکرده است اما بوق‌ها بیدار شده‌اند. ناگهان، خبری کوتاه اما پرطمطراق در فضای مجازی می‌چرخد: «خرس پارک پردیسان از قفس گریخت!» نه استعاره بود، نه کنایه‌ای برای فرار یک شخص یا پرونده‌ای مفقود بین صدها! خرس واقعی، از آن بزرگ‌ها، گوشت‌خون‌دار با چنگال‌ها و دندان‌های تیز! از قفس رها شده و در فضای شهری قدم گذاشته است. آری! اکنون خرس در شهر است! درست در همان لحظه در همان کوچه پس‌کوچه‌هایی که خرس بزرگوار در حال گذر از آنهاست، ما ایستاده‌ایم: پشت زنده‌های واقعی و نامرئی؛ گرفتار در قفس‌هایی که سال‌هاست خودمان برای خودمان ساخته‌ایم. خرس فرار کرد اما ما مانديم؛ تهران، طبق معمول، کماکان در همان وضعیت نیمه‌آسوب همیشگی به‌سر می‌برد. در همین روزهایی که آقاخرسه سر به کوچه و خیابان گذاشته است، پروژکتورهای ورزشگاه آزادی در یک بازی ملی خاموش شدند. توضیح رسمی؟ «ایراد در سیستم!» کدام سیستم؟! این خاموشی، تنها یکی از نمادهای زندگی امروز ماست؛ روزهایی که برق، بی‌هشدار قطع می‌شود، آب، طعم زنگ‌لوله می‌دهد و سرعت اینترنت از سرعت حلزون، کندتر است! در چنین روزهایی، دگر شدن دروازه‌بان تیم ملی هم دیگر عجیب نیست. در سرزمین عجایب که همه‌چیز در آن ممکن است، دفاع از دروازه و دفاع از پایان‌نامه، هر دو به یک مهارت بدل شده‌اند، همان‌قدر که گل نخوردن افتخار است، مدرک گرفتن هم افتخار محسوب می‌شود. تفاوت‌شان فقط در نوع تشویق است: یکی از روی سکو و دیگری از پشت میز داوری. در این میانه، خرس هم رفت. بی‌اعتراض، بی‌اعتصاب و بی‌بیانیه؛ فقط رفت! شاید چون دیگر چیزی برای ماندن نمانده بود. شاید چون فهمید آن بیرون، اگرچه بی‌ضمانت اما پُر از احتمال است. شاید خواست تجربه کند، گم شدن در هیاهوی یک شهر شلوغ را، آن هم چه شهری! فکر کنم برای آقاخرسه هم سخت باشد که در این شهر را برود. شاید خرس گرسنه‌اش شد و خواست بی‌ناویشان در صف نانوالی بایستد یا در سایه محدود درختانی که هنوز قطع و خشک نشده‌اند، اندکی بیاساید. تهران اما هنوز دنبال خرس است و کارگروه ویژه تشکیل داده است؛ جلسات را پشت درهای بسته برگزار می‌کنند و کارشناسان احتمال‌های ژئوخرسی را مورد بررسی قرار می‌دهند اما آنچه کسی به آن نمی‌پردازد، پرسش بزرگ‌تری است: اینکه چرا ما مثل آقاخرسه نباشیم؟ خرس جان، بدون نقش و پلان، برنامه پنج‌ساله، بودجه مصوب و بدون اخذ موافقت‌نامه اصولی، تنها با غریزه‌ای ساده: «اینکه شاید، بیرون خبری باشد!» خود را رها کرد، چون او هم در یافتن بود در شهری که همه‌چیز از معنا تهی شده است، شاید گم شدن، تنها راه بودن است.

